

پیام اول ماه مه

صدسال واندی پیش بین الملل دوم سالروز مبارزه پیروزمند کارگران امریکا علیه استثمار و توحش سرمایه داران را بعنوان روز همبستگی جهانی کارگران اعلام کرد. این روز بعنوان نماد همبستگی کارگری برگزیده شد تا پیام اول ماه مه به گوش تمامی کارگران جهان برسد. پیام اول ماه مه، فراخوان به همبستگی طبقاتی، یک همبستگی جهانی و رای تعلقات ملی، نژادی و جنسی بود. فراخوان به تعمیم مبارزه علیه هر سرمایه دار تا سطح مبارزه علیه نظام سرمایه داری و کلیت طبقه حاکم بود. گزینش اول ماه مه همچون نماد خجسته قدرت طبقاتی کارگران، گامی بود برای آگاهی آنان به هویت خود بمشابه طبقه ای جهانی. گامی بود برای آگاهی انسان معترض به بیعدالتی ها، به موجودیت یک نیروی عظیم و دگرگون ساز اجتماعی در رهایی از اسارت نظام طبقاتی.

تعیین اول ماه مه بعنوان جشن همبستگی جهانی کارگران، با هدف اشاعه ایده اتحاد بین المللی کارگران صورت گرفت. ایده ای که اولین تشکیلات کمونیستی کارگران در سرلوحه برنامه خود قرار داده بود. برغم اینکه در ان زمان پیروزی سرمایه داری بر فئودالیسم در دستور روز قرار داشت، اولین برنامه کمونیستی کارگران اعلام کرد:

«هدف اتحادیه کمونیستها سرنگونی بورژوازی، برقراری حاکمیت پرولتاریا و نابودی جامعه کهن سرمایه داری است، هدف اتحادیه پی ریزی جامعه نوین بدون طبقه و بدون مالکیت خصوصی است.»

اتحادیه کمونیستها، اگر چه در آغاز ریشه در جنبش کارگری المان داشت، اما هیچگاه یک سازمان کمونیستی تحت هویت و پرچم ملی نبود. اعضایش را از میان ملیت های گوناگون جلب کرده و شعار کارت عضویت آنان، «تمام انسانها برادر هستند» حداقل به بیست زبان ترجمه شده بود. آنان در همان زمان اعلام کردند که رهایی طبقه کارگر به هیچوجه یک مسئله محلی و یا ملی نبوده بلکه مسئله ای اجتماعی است. این ایده بگونه یک شعار در سرلوحه اولین برنامه کمونیستی کارگران خلاصه شده بود:

کارگران همه کشورها متحد شوید

اکنون طبقه کارگر بار سنگین شکست دوکوشش تاریخی در مبارزه برای سرنگونی سرمایه داری را بدوش میکشد. کمون پاریس، در مقطع پایان دوران ترقی سرمایه داری و انقلاب اکتبر، در زمان ورود نظم موجود به دوران زوال خود. اگر یکی از گرانبهاترین درسهای شکست کمون پاریس اثبات ضرورت وجود یک ارگان متمرکز رهبری کننده، ضرورت درهم شکستن کامل ماشین دولتی و برپایی دولت پرولتری در گذار به جامعه بی طبقه بود، شکست انقلاب اکتبر اما بسی سهمگین تر و در همان قیاس نیز درس آموزتر بود. این شکست نشان داد که امکان ایجاد سوسیالیسم در یک کشور وجود ندارد. نشان داد که انقلاب کارگری یا بصورت یک انقلاب جهانی پیشروی میکند و یا ایزوله شده و از پای درمی آید.

تسخیر مواضع سیاسی جنبش کمونیستی از درون بعنوان تجلی این شکست نشان داد که ساختار بین الملل کمونیستی، یعنی اتحاد فدراتیو احزاب کمونیست ملی، شکل مناسبی در پیشبرد انقلاب جهانی نیست. تعداد قابل توجهی از این احزاب هنوز از هویت چپگرایانه ملی نبریده و بر درس ها و تجارب جنبش پرولتری متکی نبودند. این احزاب در پی موج انقلاب کارگری و پیروزی آن در روسیه به بین الملل کمونیستی پیوسته و با انزوای انقلاب و انحطاط حزب کمونیست شوروی، قادر به مقاومت نشدند. تنها جناح چپ بین الملل سوم بود که در دفاع از انقلاب و انترناسیونالیسم تن به انزوای ناگزیر داد. این درس ها به ما می آموزند که برای براندازی نظام بردگی مزدی، برای پیروزی انقلاب اتی کارگری، باید حزب جهانی ایجاد گردد.

با شکست موج جهانی انقلاب، مواضع سیاسی و نظری جنبش کارگری بتدریج از درون تسخیر شد. بدین سان سنن مبارزاتی طبقه کارگر مبدل به ایین هایی جهت دفاع از الگوی سرمایه داری دولتی و ایدئولوژی آن گشت. ایین اول

ماه مه نیز در این میان، از گزند حمله سراسری بورژوازی در امان نماند.

پیام اول ماه مه مسخ و تحریف شده است

سنت گرامیداشت سالروز اول ماه مه، امروزه مبدل به عرصه نمایش جناح چپ طبقه حاکم در مقابل جناحهای رقیب گشته است. بورژوازی توانسته است تا سنت اول ماه مه را از مضمون واقعی آن تهی سازد. اینچنین است که در اول ماه مه هر سال احزاب سوسیال دمکرات و ناسیونال چپ به اجرای نمایشاتی جهت پیشروی خود در سیستم سیاسی موجود دست میزنند. اول ماه مه تا سر حد مراسمی شبیه حج مسلمانان به ابتدال کشانده شده است. ادای «احترام به همبستگی جهانی کارگران» توسط این نیروها تبدیل به مانعی در مقابل تحقق یک همبستگی واقعی جهانی شده است.

پیام اول ماه مه کرنش در مقابل چانه زنی تشکل های وابسته به دستگاه دولتی با کارفرما نیست. پیام اول ماه مه، خطاب قرار دادن سازمان جهانی کار، تشکل کارگری سرمایه داری جهانی و گدایی جواز، برای اعتصاب قانونی و کنترل شده نیست. پیام اول ماه مه تجمع یکروز در سال، برای انتشار پیامهای تبریک همبستگی نامعلوم در ناکجا اباد نیست. اگر در صدسال پیش، آگاهی کارگران به هویت طبقاتی خود بمثابه طبقه ای جهانی، مضمون اصلی این پیام بود، در شرایطی چون امروز، مضمون آن، فراخوان به تبدیل مبارزه کارخانه به مبارزه ای طبقاتی-جهانی برای سرنگونی طبقه حاکم است.

در شرایطی که یک اعتصاب برای دریافت یا افزایش حقوق، از طریق رویارویی با دولت، یعنی بصورت یک مبارزه سیاسی پیش می رود. در شرایطی که انقلاب انفورماتیک و تکنولوژی رسانه ای امکان مدیریت کارگری در صنایع را بیش از پیش فراهم کرده. در شرایطی که حدت یابی تناقضات درونی سرمایه، دولت های ملی-امپریالیستی را واداشته است تا جهت ایجاد بازارهای سودآور از سروری ملی و عظمت طلبی ناسیونالیستی خود عقب نشسته و به ایجاد سیستمهای شبه فدرالی مانند اروپای متحد دست یازند. در شرایطی که حمله جهانی به سطح معیشت کارگران به شرطی در پیشروی گلوبالیزاسیون سرمایه مبدل گشته است. در چنین شرایطی، بازگشت به محتوای طبقاتی پیام اول ماه مه یک ضرورت حیاتی برای طبقه کارگر است. پیام اول ماه مه در شرایط کنونی احیای سنن انترناسیونالیستی برای ایجاد حزب جهانی کارگران جهت سازمانیابی مبارزه بین المللی علیه سرمایه داری است. پیام اول ماه مه لزوم گام نهادن عملی کارگران کمونیست بسوی یک اتحاد انترناسیونالیستی است.

زنده باد اول ماه مه زنده باد انترناسیونالیسم

«تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» ۲۶ اپریل ۲۰۰۱